



مردم را مأیوس کنند و بگویند که فایده‌ای ندارد. من گاهی یک مثال‌هایی برای دوستان خودمان می‌زنم. بعد از فتنه ۱۴۰۱، روحیه‌های ما خیلی ریخته شده بود و خیلی هم نگران بودیم. رفته و گفتم: بزرگ‌ترین شکستی که مسلمانان در صدر اسلام خوردند، در کدام جنگ بود؟ جنگ احد. در زمان پیامبر ﷺ سخت‌ترین شکست را خوردیم. بعد از این شکست، خدا یک آیه در سوره آل‌عمران دارد و با لطافت می‌گوید: *خَبِّ خَلْفَ كُرْدِيدٍ*. شکست خوردید و بعد هم خدا می‌بخشد. تمام شد؛ اما ۷–۸ آیه دیگر دارد که ۳–۴ تا پشت سر هم از آیه ۱۳۹ سوره آل‌عمران به بعد است: شکست خوردید که خوردید، چرا روحیه‌تان را باختید؟ چرا گرفتار تردید شدید؟ شکست مهم نیست: *﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾*؛ اگر نگرانی دارید، از ایمان خودتان باشد؛ نه از قدرت دشمن. ما باید این را ببینیم، به مردم‌مان بگویم که دشمن هیچ کاری نمی‌تواند بکند؛ اما سستی، ناامیدی و تردید، ما را می‌شکند. خدا به ما می‌گوید: نسبت به آینده دل‌پاس باشید و نباشید. از دشمن دل‌پاس نباشید؛ اما از خودتان دل‌پاس باشید. *﴿إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾*. در ادامه می‌فرماید: *﴿إِنْ يَمْشِكْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَثَّ الْقَوْمُ فَزَعٌ مِنْهُ وَيَلِكُ الْأَيَّامُ لِنَدَائِلِهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾*.<sup>۱</sup> این خیلی لطیف است. این کار رسانه حوزه است. *﴿يَلِكُ الْأَيَّامُ لِنَدَائِلِهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾*. چرا؟ چهار دلیل می‌شمرد: ۱. امتحان مؤمنین که مؤمنین امتحان شوند که چه کسانی می‌ماند و چه کسانی نمی‌مانند. ۲. *﴿وَيَتَّبِعُكُمْ مِّنْكُمْ شُهَدَاءٌ﴾*. دیدم که بعضی آقایان مفسران زیبا نوشته بودند. در اینجا شُهَدَاءَ به‌معنای گواهان نیست: *﴿يَتَّبِعُكُمْ مِّنْكُمْ شُهَدَاءٌ﴾*، یعنی خدا فرصت فراهم می‌کند که یک عده از انسان‌ها را به مقام شهید شدن برساند. سومی و چهارمی مهم‌تر است و ما امروز به این‌ها نیاز داریم. *﴿وَلِيُمَيِّضَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾*؛<sup>۲</sup> مؤمنین باید آبدیده شوند. ما در فشارها و سختی‌ها قدرت پیدا کردیم *﴿وَيُمَيِّضُ الْكَافِرِينَ﴾*؛<sup>۳</sup> شما به ما، محق را به‌عنوان مرگ تدریجی یاد داده‌اید.

#### • پی‌نوشت‌ها

- <sup>۱</sup>مانده، ۵۲؛
- <sup>۲</sup>عنکبوت، ۶۹؛
- <sup>۳</sup>آل‌عمران، ۱۳۹؛
- <sup>۴</sup>همان، ۱۴۰؛
- <sup>۵</sup>همان، ۱۴۱؛

در مبانی مردم‌سالاری دینی نیازمند تحقیقات علمی گسترده‌تری هستیم؛ چه در فقه انتخابات، چه در مبانی فلسفی و کلامی مردم‌سالاری دینی، چه در مبانی اخلاقی و رویکردهای اخلاقی مردم‌سالاری دینی و چه در پیوند مقوله مردم‌سالاری دینی، با شاخه‌های مختلف علوم انسانی اجتماعی، ما نیازمند تحقیقات جدی و گسترده هستیم. این یکی از وظایف حوزه‌های علمیه است که از نظر مبانی دینی، ما تولید نظریه و اندیشه و فکر داشته باشیم. بُعد دیگری از وظایف حوزه‌های علمیه، گسترش مطالعات تطبیقی در این زمینه با کشورهای دیگر چه در کشورهای اسلامی، چه در مطالعات ادیانی و دیدن نقاط اشتراک و نقاط اختلاف این نظریات با دیگران و گفت‌وگوی علمی در این موضوع است که در این گفت‌وگوی علمی ما می‌توانیم، منطق جمهوری اسلامی را در عرصه‌های فکری و معرفتی، با دیگران تبادل کنیم و متأسفانه چون مطالعات تطبیقی ما در این زمینه، مطالعات حوزه‌های علمیه، نتوانستیم این موضوع را با دیگران مطالعه و تطبیق کنیم.

عرصه سوم عرصه گفتمان‌سازی است. نخبگان کشور ما، چه نخبگان علمی و چه نخبگان اجتماعی و نخبگان فرهنگی و رسانه‌ای، هنوز در عرصه‌های مربوط به انتخابات، از یک گفت‌مان علمی مشترک، یک گفتمان اخلاقی مشترک بهره‌مند نیستند؛ چون گفت‌وگوهای دانشگاهی حوزوی و فعالان حوزوی و با فعالان اجتماعی، باید گفت‌وگوهای جدی‌تری شکل بگیرد و ما به یک گفتمان مشترک مورد قبول در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی برسیم و حتماً حوزه‌های علمیه در این زمینه می‌توانند، یک نقش محوری داشته باشند. برای گفتمان‌سازی به‌عنوان یک جامعه تأثیرگذار در نخبگان کشور.

عرصه بعدی، عرصه فرهنگ‌سازی است. ما غیر از اینکه در میان نخبگان باید یک وحدت رویه‌ای ایجاد کنیم، در کل جامعه، ما نیازمند یک سری شاخص‌ها و معیارهای ناظر به انتخابات هستیم. برخی از رفتارهای انتخاباتی را همه مردم باید بد بدانند و آن را محکوم کنند؛ به‌طوری‌که آن کاندیدهای انتخاباتی، به خودشان جرأت ندهند تا وارد یک سری از بی‌اخلاقی‌ها و بی‌ضابطه‌ای‌ها و سوء‌استفاده‌های ناشایست، سوء‌استفاده از مناصب و وارد شدن به یک سری از تشریفات و مخارج‌های سنگین انتخاباتی شوند. متأسفانه بعضاً ما شاهد یک سری آسیب‌های اقتصادی و چالش‌های فرهنگی در ایام انتخابات هستیم که بخشی از آن، باید فرهنگ‌سازی شود و جامعه باید مطالباتی داشته باشد و در این زمینه، ما نیازمند تعامل با بدنه مردم و استفاده از ظرفیت‌ها به‌ویژه رسانه هستیم که در این زمینه، حوزه‌های علمیه می‌توانند نقش‌آفرین باشند و بُعد مردمی و دینی آن را از جهت فرهنگی تقویت کنند.

والمسلمین حمید روحانی نوشته: امام می‌فرمایند: آقا! مردم امروز مثل آن مردم نیستند، مردم می‌آیند. آقای حکیم گفت: نخیر حاج آقا روح‌الله! این جمله برای من جالب است. می‌گوید: حضرت امام رو به آیت‌الله حکیم کرد و گفت: شما رهبری را بپذیرید، مردم با من. این خیلی حرف بزرگی است. گفتند: مردم با من، من مردم را می‌آورم. این مربوط به چه زمانی است؟ همان زمانی است که امام را در قم گرفته‌اند و با ماشین به ترکیه برده‌اند و در ترکیه هم نتوانستند، نگه دارند و به نجف برند. خبر دارید که در نجف هم چه استقبال بدی از ایشان شد. یک هفته امام به کربلا و کجا برود. در آن وضعیت این چه اعتماد و باوری است که به مردم دارد. اصلاً ما باورمان نمی‌آمد که جملاتی که امام می‌گوید، این‌ها شعار نیست. امام فرمودند: سربازان من، بچه‌های در قنداق هستند. ما می‌گفتیم: امام می‌خواهد شاه را اذیت کند. بعد دیدیم که همان شد. همان بچه قنداقی‌ها در جبهه شهید شدند؛ همان کسانی که امام گفته بود. یا مثلاً در پذیرش قطعه‌نامه به دنیا فرمود: ما سنگ‌های کلیدی جهان را یکی پس از دیگری فتح می‌کنیم. وقتی امام این جمله را گفت، به امام خندیدند و گفتند: تو همین صدام را حل کن، نیازی نیست، سنگ‌های کلیدی جهان را فتح کنی.

امروز امام قلب‌هایی را در دنیا تسخیر کرده است که از قلب‌های بچه‌های ما بیشتر تسخیر شده‌اند. من رفته‌ام و دیده‌ام. من پیوندی که بین بچه‌های حزب‌الله، یمن و عراق با انقلاب اسلامی و فرهنگ امام و رهبری دیدم، من را وادار کرد که آمدم و برای بچه‌های سپاه و بسیج این آیه را خواندم. گفتم: تا دیروز این آیه سوره مانده را می‌خواندیم و می‌گفتیم که مصادق آن فارس و بچه‌های آن است. *﴿مَنْ يَرْزُقْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ﴾*.<sup>۱</sup> می‌گفتیم: خدا به عرب‌ها می‌گوید که اگر شما خراب کردید، من این‌ها را دارم. امروز خدا این را به ما می‌گوید که اگر شما ایرانی‌ها دیر ببینید، من یعنی‌ها را دارم.

##### • اهمیت مشارکت مردم در انتخابات امسال

درس است که ما ناراضیانی‌ها داریم، گالیه داریم، دفاع مطلق هم، از مسئولان و مدیران‌مان نداریم. ما غیر از ولایت که چون تجلی توحید ربوبی است، از هیچ‌کسی دفاع مطلق نداریم؛ اما این را باور داریم که انتخابات امسال مانند میدان جنگ است؛ حتی اگر موقعیتی هم، برای رفع آن مشکلات بخواهیم انجام دهیم، بهترین راه این است که مردم به میدان بیایند و نقش‌آفرینی کنند. مردم بیایند و به نظام، اقتدار و یک قدرت دهند. یک رئیس‌جمهور اگر بخواهد موفق شود، به یک عقبه اقتدار مردمی نیاز دارد. تجلی اقتدار مردمی در انتخابات است.

به‌قول آیت‌الله مصباح رحمته الله علیه، که می‌گفت: نوع‌رهبری ایشان، یک معجزه الهی است. من این‌طور می‌گویم: خدا به‌خاطر عنایتی که به این امت دارد، این رهبر را اداره می‌کند: *﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾*.<sup>۲</sup>

##### • حضور حداکثری مشارکت مردم در انتخابات

چه کنیم که مردم مشارکت داشته باشند؟ یک محور بصیرت دادن است. نگذاریم، مردم را فریب دهند، نگذاریم

خودشان در کشور خودشان با استفاده از چارچوب‌ها و ضوابط و مقررات قانونی همان کشور، فعالانه شرکت کنند. حتی ما در خلال این سال‌های بعد از انقلاب، با برخی کشورها مشکلات سیاسی هم داشتیم و هیچ‌گاه ما حامی این نبودیم که مثلاً مسلمانان و شیعیان، انتخابات آن کشور را تحریم کنند، نه؛ بلکه می‌گفتیم: شما به‌عنوان عضوی از آن جامعه، طبق قواعد آن جامعه، باید حضور داشته باشید؛ لذا این نگاه انقلاب اسلامی به مردم و مردم‌سالاری و انتخابات، یک نگاه بنیادین و مبناپی بوده که هم در داخل کشور تلاش شده این نگاه محقق شود و هم در عرصه بین‌الملل، تلاشی که از طرف جمهوری اسلامی صورت گرفته، این بوده که به‌همین منطق در عرصه بین‌الملل هم احترام گذاشته شود و هر کشوری که با انتخابات مردمی، مردم‌ش آمده‌اند و یک دولتی را سر کار آورده‌اند، جمهوری اسلامی به این احترام گذاشته و از طرف دیگر، کشورهایی که به این منطق بیایند نبوده‌اند و بدون چارچوب‌های دموکراتیک و انتخابات، تعاملاتی در آن‌ها صورت گرفته، جمهوری اسلامی همیشه تلاش کرده که آن کشورها را هم، به سمت یک منطق مردمی سوق بدهد و در مذاکراتی که با آن کشورها داشته، بعضاً از آن‌ها خواسته که شما اگر می‌خواهید، در این کشور جایگاه خودتان را داشته باشید و حمایت‌های جمهوری اسلامی را داشته باشید، باید از این منطق مردمی و انتخابات بهره‌مند باشید.

لذا این نگاه، نگاه مردم‌سالاری دینی فراتر از انتخابات، به‌عنوان یکی از ارکان گفتمانی حضرت امام رحمته الله علیه، به‌عنوان یکی از ارکان گفتمانی مقام معظم رهبری، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نرم جمهوری اسلامی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور، مطرح و معرفی شده؛ اگرچه این رویکردی که عرض می‌کنم، بین مقام ثبوت و مقام اثبات و تبیین آن خیلی فاصله دارد و حتماً باید در تبیین این نکته، اقدامات جدی‌تری انجام شود.

**«وظیفه حوزه در گفتمان‌سازی انتخابات مورد قبول همه آزادی‌خواهان و همه عقلاً چیست؟ و حوزه برای ترویج و تبیین این انتخابات و برای دعوت مردم به مشارکت حداکثری چه وظیفه‌ای دارد؟ با توجه به آن نکته‌ای که حضرت امام رحمته الله علیه در ایام انتخابات دستور دادند که حوزه‌های علمیه به روستاها بروند و تبلیغ کنند و طلبه‌ها را بفرستند به جاهای مختلف، نقش حوزه و نقش رسانهٔ حوزه در تبیین انتخابات و در مشارکت حداکثری مردم درانتخابات چیست؟**

• انتخابات این منظر که یکی از مصادیق و یکی از شعارهای اصلی انقلاب است که همان شعار مردم‌سالاری دینی و مردمی بودن انقلاب است، این بُعد از آن، نیازمند نظریه‌پردازی و تولید فکر و تولید محتواست. ما هنوز



## چه کنیم که مردم در انتخابات مشارکت بیشتری داشته باشند؟

گفت‌وگو با نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران در گفت‌وگوی اختصاصی با هفته نامه افق حوزه ضمن تبیین تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی<sup>۱</sup> به چرایی(اهمیت مشارکت مردم در انتخابات امسال<sup>۲</sup> پرداخت که حاصل این گفت و گو در متن پیش رو تقدیم می گردد.

که به نظر می‌رسد، در آن بحث مبناپی باید حل کنیم.

##### • رمز موفقیت امام توکل به خدا واعتماد به مردم بود

یکی از افتخارات انقلاب اسلامی ما همین است که با وجود آن بُعد الهی، همیشه – اصلاً رمز موفقیت امام به نظر همین است- به‌همان میزانی که به خدا توکل دارد، به مردم اعتماد، تکیه و باور دارد؛ همان چیزی که امروز می‌بینیم، رهبر عزیزمان روی آن تأکید می‌کنند. خاطرات فراوانی در این جهت به نظر می‌رسد؛ مثلاً حجت‌الاسلام والمسلمین حمید روحانی، خاطره‌ای را از ملاقات حضرت امام رحمته الله علیه با آیت‌الله‌العظمی حکیم رحمته الله علیه نقل می‌کند که در زمانی که امام تبعید شدند، بعد از آیت‌الله‌العظمی بروجرودی<sup>۱</sup>، مرجع علی‌الاطلاق بیشتر آیت‌الله حکیم بود. حجت‌الاسلام والمسلمین حمید روحانی نوشته که ایشان خدمت آیت‌الله حکیم رفت و گفت: آقای حکیم! شاه این کار را می‌کند، کشورهای مختلف این کارها را می‌کنند، نیاز است که حرکتی کنیم. جواب آیت‌الله حکیم این بود: مردم همراهی نمی‌کنند. همان‌طور که در زمان اهل بیت علیهم السلام مردم همراهی نمی‌کردند و لذا ائمه علیهم السلام معذور بودند، ما هم معذور هستیم؛ چون مردم پشتوانه نیستند. شعار می‌دهند؛ اما وقتی پای میدان پیش آید، دیگر نیستند. حالاً تغییر من این است: من و تو که از امام حسین علیه السلام بالاتر نیستیم، این همه شعار دادند: اما همه سرباز توئیم حسین علیه السلام جان! گوش به فرمان توئیم حسین علیه السلام جان!». امام حسین علیه السلام رفت و سرش را بریداند، بچه‌های ایشان را هم کشتند. حجت‌الاسلام

## ممیزه‌های بنیادی مردم‌سالاری دینی در ایران با لیبرال دموکراسی

##### بخش دوم و پایانی



##### پیوند انتخابات با مسئله غزه

یک موضوع دیگری که امسال به‌طور خاص مطرح است و به نظر من در ابعاد بین‌المللی است، پیوند انتخابات ما با مسئله غزه و مسئله طوفان الاقصی است. از این منظر که آن راهبردی که جمهوری اسلامی نسبت به مسئله فلسطین مطرح می‌کند، راهبردی کاملاً دموکراتیک و مقبول با معیارهای بین‌المللی است. آن چیزی که جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌کند، این است که همه فلسطینی‌های داخل کشور و یا فلسطینی‌های آواره، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی و همه کسانی که فلسطینی به‌شمار می‌روند، همه این‌ها حتی آنهایی که خارج از کشور هستند، برگردند و یک انتخابات آزاد برگزار شود و خود مردم فلسطین، نسبت به آینده فلسطین تصمیم‌گیری کنند؛ لذا هم‌زمان با فضای انتخابات داخل کشور، این گفتمان دموکراتیک و گفتمان ناظر به مردم‌سالاری مردم فلسطین هم، باید مجدداً مطرح شود. به نظر این دیدگاه جمهوری اسلامی منطقی است که هنوز خوب تبیین نشده و می‌شود هم‌زمان با این مباحث داخل کشور، این را هم مطرح کرد که نه‌تنها ما در داخل کشور، به مردم‌سالاری و قواعد مردم‌سالاری پایبند هستیم؛ بلکه در عرصه بین‌الملل هم به آن پایبند هستیم.

فراتر از مسئله فلسطین، ما امروزه این نظر را به همه طرفداران و هواداران انقلاب اساهمی، مطرح کردیم و این منطق جمهوری اسلامی است که هر کسی در هر کشوری که دارد زندگی می‌کند، باید به قواعد مردم‌سالاری آن کشور و به قوانین آن کشور احترام بگذارد و لذا طرفداران جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف، جزء ملتزمین به قوانین و مقررات در آن کشور هستند و اساساً شیعیان و مسلمانان و هواداران انقلاب اسلامی را تشویق می‌کنیم که در سرنوشت



را اداره نکنند، اگر احزاب، دموکراسی را اداره نکنند و واقعاً مردم باشند، مردم در کجا نقش دارند؟ فقط در رأی دادن. به‌قول خیلی از غربی‌ها که نوشته‌اند: مردم وقتی رأی دادند، تا ۴ سال برده هستند. تا ۴ سال باید چشم بگویند؛ چون خودشان انتخاب کرده‌اند. اسلام برای مردم سه مرحله نقش قائل است که یکی انتخاب است. دومین مورد هم، مشارکت است؛ یعنی حکومت دینی هم، بدون کمک مردم به هیچ جا نمی‌رسد. عامل قدرت در نظام اسلامی مردم هستند و ما این را در در این ۴۵ ساله، در تمام صحنه‌ها دیده‌ایم. حتی نیروهای مسلحی که ادعا داریم، در خط مقدم انقلاب هستند، بدون مردم نمی‌توانند، این انقلاب را حفظ کنند. تعبیر من این است که اسلام، موتور حرکت انقلاب بود و رهبری راننده بود که از صراط مستقیم خارج نشود و مردم سوخت‌رسان آن بودند. اگر انقلاب حرکت دارد، زنده است و جلو می‌رود، به‌برکت این سوخت‌رسانی مردم است. مردم هستند که می‌توانند هم به رهبری و هم به حاکمیت و اسلام، ضمانت اجرا بدهند. اصلاً ترجمه دموکراسی، مردم‌سالاری نیست. مردم‌سالاری که ما می‌گوییم، خیلی تفاوت دارد. حالاً تازه این مردم‌سالاری یک بُعد دیگری هم دارد که آیت‌الله مطهری رحمته الله علیه قبل از انقلاب به آن پرداخت و آن این‌که در نظام مردم‌سالاری، حکومت بر مردم نیست؛ حکومت برای مردم است. ایشان در سیری در نهج‌البلاغه می‌گویند: این نیست که مردم برای حکومت باشند؛ بلکه حکومت برای مردم و در خدمت مردم است. این هم، یک سرفصل است

##### • خدایی‌ترین حکومت، مردمی‌ترین حکومت است

به نظر من این تعبیری که می‌کنند و می‌گویند: امام آمد و اسلام را با جمهوریت آشتی داد، کاملاً اشتباه است. امام اسلام ناب را زنده کرد. در اسلام ناب، مردم و جمهوریت هست. امام چیزی به اسلام اضافه نکرد. خود این، یک نوع لغزش است که امام اسلام را آشتی داد؛ یعنی اسلام قهر بود؟ نه امام اسلام ناب را زنده کرد. این یک اصل است که به این توجه کنیم؛ لذا ما در جایی که ارکان حکومت دینی را می‌شمریم، یک رکن اساسی آن، مردم هستند؛ ولی خدا هرکسی که باشد، عرض کردم: از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهم السلام که بالاتر نیست. تا زمانی که مردم نباشند، تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام این می‌شود: «ولکن لا رأی لمن لا یطاع»؛ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام هم اگر مردم را نداشته باشد، نمی‌تواند حکومت کند. امام صادق علیه السلام ۴۰۰۰ شاگرد داشت؛ اما ۱۷ مجاهد ولایت‌مداری که برای امام صادق علیه السلام خودشان را سپر قرار دهند، نداشت. این روایت خود ایشان است که فرمود: اگر به‌تعداد این گوسفندان یاور داشتم، قیام می‌کردم. امروز اگر بخواهیم بیان کنیم، ۱۷ تا بسیجی مثل حاج قاسم نداشت. بله، شیعه بودند، علاقه‌مند بودند؛ اما این‌ها نبودند. ما باید ببذیریم که این، یک اصل قرآنی است و کمونست‌ها در شرق فعال بودند، یکی از دوستان ما، یک تبیین کند. شما به‌عنوان رسانه حوزه، باید بیان کنید که این حرف تنوکراسی یا دموکراسی؟ مربوط به غرب است؛ خدایی یا مردمی؟ در اسلام، خدایی‌ترین حکومت، مردمی‌ترین حکومت است و تنها راه مردمی بودن هم، الهی بودن است. تجربه هم این را ثابت کرده است. در زمانی که مارکس و لنین و کمونست‌ها در شرق فعال بودند، یکی از دوستان ما، یک مقاله نوشت. این مربوط به قبل از انقلاب و دوران دبیرستان ماست. خیلی زیبا و دکلمه‌وار بود. الاّن به یاد ندارم؛ مثلاً یک جمله او این بود: آیا خانه گیلی علی علیه السلام نشانه حمایت از محرومین است یا کاخ کرملین؟ آیا سفره نان جوی علی علیه السلام همدردی با نیازمندان است یا سفره مارکس و لنین؟ خیلی زیبا بود.

کسی فکر نکند که اگر ما از الهی بودن حکومت می‌گوییم، این نفی مردم است. نه، باور ما این است که هیچ حکومتی بیشتر از حکومت خدا، مردمی‌تر نمی‌شود؛ چون خدا که از حکومت هدفی برای خودش ندارد.

یک لطیفه‌ای هم از این آیه ولایت استفاده کردم؛ چون از بعضی از بزرگان مفسران خوب‌مان – خدا رحمت‌شان کند- تأییدیه گرفتم، می‌گویم و آن هم این است: یک وقتی خدا می‌خواهد، علی علیه السلام را ولی مؤمنین معرفی کند، چرا در بین ویژگی‌های امیرالمؤمنین علیه السلام، کارهای بزرگ‌تر ایشان را نمی‌گوید؟ او لیلیه‌المبیت را داشت، خندق و خیبر را داشت.

##### • تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی

همچنان که مردم در نظام اسلامی نقش دارند، دموکراسی هم نقش دارد. تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی چیست؟ این هم خیلی زیباست. خود غربی‌ها الاّن می‌گویند، اگر راست بگویند، اگر سرمایه‌داری، دموکراسی

## ممیزه‌های بنیادی مردم‌سالاری دینی در ایران با لیبرال دموکراسی

##### گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین کوهساری مسئول مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه های علمیه

## یکی از ابعاد بین‌المللی انتخابات، حضور و مشارکت ایرانیان خارج از کشور است، حضرت‌عالی حضور ایرانیان خارج از کشور در انتخابات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

• در خلال این سال‌ها یکی از افتخارات ما این بوده که ایرانیان خارج از کشور، به‌عنوان جزئی از ملت ما که در خارج از کشور هستند، همواره مشارکت‌های خوبی در انتخابات داشته‌اند. اگرچه فکر می‌کنیم، این بخش می‌تواند تقویت شود و ما نیازمند یک نگاه مجدد به ایرانیان خارج از کشور هستیم و نباید تلقی کنیم که اکنون‌که این‌ها به خارج از کشور رفته‌اند، دیگر از مخاطبان ما نیستند؛ بلکه ایشان بخشی از پیکر ملی ما هستند و نگاهی که به این‌ها وجود دارد، نباید نگاه تهدیدمحور باشد؛ بلکه باید نگاه ما فرصت‌محور باشد و آنان را به‌عنوان یک ظرفیت برای کشور بدانیم که در خارج از مرزهای ما قرار دارند. لازم است در اینجا عرض کنم که در حوزه علمیه ما همین رویکرد، یک پرونده ویژه‌ای برای مباحث دینی و اندیشه‌ای ایرانیان خارج از کشور شکل‌گرفته، برای اینکه سوالات و دغدغه‌های فکری، معرفتی و اندیشه‌ای ایرانیان و مسائل فرهنگی و تربیتی آن‌ها، مورد توجه قرار بگیرد و برنامه‌هایی هم، در این زمینه‌ها طراحی شده که در این زمینه، حوزه یک سری نقش‌های مستقیمی را خودش بر عهده دارد و یک سری نقش‌ها هم، نقش‌های ستادی است که سعی می‌کنند، از ظرفیت نهادهای دیگر استفاده و آن‌ها را فعال کنند تا اینکه سهم خودشان را نسبت به ایرانیان خارج از کشور ادا کنند.

واقعیت ماجرا این است که ما به این ظرفیت و به این جامعه، آن نگاه و عملکرد لازم را نداشته‌ایم و باید بخشی از آن جبران شود. الحمدلله جریان خوبی هم در این زمینه شکل گرفته است. اگرچه عزیزان ایرانی ما در خارج از کشور، خودشان در کشورهای دیگر، هرکس به‌اقتضای کشور خودش، نسبت به مباحث دینی و مباحث فرهنگی ما، این‌طور نبوده که منتظر نهادهای دستگاه‌های جمهوری اسلامی باشند و الحمدلله خودشان در خلال این سال‌ها، در مناسبت‌های مذهبی مانند محرم و رمضان فعالیت‌های چشمگیری داشته‌اند و در قالب حسینیه‌ها، هیئت‌ها، مساجد و مجامع دینی فعال